

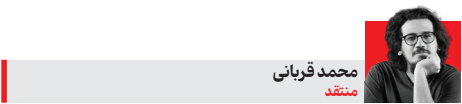
ماه محرم امسال با نوحه‌های ملّی – دینی آغاز شد، مراسم محمود کریمی به عنوان نمونه‌ای از هم‌گرایی فرم و محتوای ملّی مورد توجه قرار گرفت

ملت حسین



در دهه‌های چهل، پنجاه و شصت شمسی مردم کنش‌های سیاسی را نه در تلو یزیون یا دانشگاه بلکه دقیقاً پای منبر می‌شنیدند. منبر کنشگر اصلی جامعه بود، نه به دلیل سانسور بلکه چون منبر ها و روضه‌ها از کیفیت برخوردار بودند که متن حرکت‌های اجتماعی را تعیین می‌کردند. حالا نزدیک به ۳۰ و چند سال از دوران اوج منبر گذشته. برخی از زوال کنشگری سیاسی دهه‌های محرم سخن می‌گفتند اما چند اتفاق باعث شد به بطلان گزاره زوال منبر پی ببریم. در دوران کرونا بخشی از این مدل کنشگری به نمایش در آمد. حالا همه منتظر بودیم که با تلاقی بین دو اتفاق تهاجم اسرائیل و محرم، همان مدل از کنشگری منبر آغاز شود. انتظار مان چند ثان طول نکشید. محمود کریمی در نقش یک رهبر رسانه‌ای ظاهر شد و با الگو گرفتن از موسیقی «ایران» محمد نوری، قطعه‌ای را برای وطن روی منبر حسین به علی (ع) خواند. بدون آنکه رونمایی‌ای از آن داشته باشد، یا برای پخش آن کار رسانه‌ای هدفمندی شکل بگیرد. قطعه محمود کریمی ناگهان فضای رسانه‌ای را متفجر می‌کند، اما چرا؟ دلیلش واضح است. جامعه طالب آن است. انگار همه منتظر بودند مطلبی منتشر شود تا مردم هم نسبت به آن واکنش نشان دهند. کما اینکه در زمان انتشار «علاج» چاوشی هم همین اتفاق افتاد. متن جامعه ایرانی منتظر بود آنچه درون ضمیر اجتماعی خود است را روی تریبون‌های اصلی مملکت ببیند. چاوشی این ضمیر را نمایندگی می‌کند و حالا این انتقال پیدا می‌کند به کریمی. در این انتقال علّم از چاوشی به کریمی یک اتفاق مهم افتاده است و آن هم این است که بستر کنشگری اصلی در جامعه به هیئت و مکان‌های مذهبی بازگشته و حالا از هیئت صدای ایران و ملی‌گرایی می‌آید. اینکه هیئت به متن کنشگری سیاسی بازگردد و باز هم حرف اول و اصلی را بزند و از طرفی این گفتار موردپسند عموم جامعه قرار بگیرد، نشان می‌دهد جامعه ایران ضمن تغییرات در ظواهر هنوز به اصولی پایبند است و بر مبنای همان اصول دست به انتخاب محتوای رسانه‌ای

لایق جایزه هنر انقلاب اسلامی



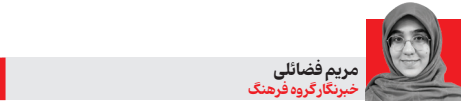
به عنوان یک مخاطب عام موسیقی و آواز که سواد موسیقایی ندارد اما به واسطه گوش دادن فراوان به موسیقی کلاسیک و سنتی گوشش تربیت شده، حتی چند ثانیه هم نمی‌توانم مداحی‌های ۲۰ سال اخیر را تحمل کنم. با این حال محمود کریمی را تا فته‌ای جدایافته و یک هنرمند تمام‌عیار می‌دانم. اولین نکته در باره محمود کریمی تسلط تکنیکی او است. کریمی شاعر است، شعر را به خوبی می‌شناسد و انتخاب اشعارش بسیار درخشان است. او همچنین تسلط اعجاب‌انگیزی روی دستگاه‌ها و ردیف‌های موسیقی

ایران حرم است



چند مابقیل که نتانیاهو در کنفرانسی همراه ترامپ ادعا کرده بود که توافق خوب توافقی شبیه‌لیبی است، کاملاً مشخص بود اسرائیلی‌ها در طرح‌ذهنی خودشان ایران را شبیه‌لیبی می‌پسندند. کشوری که بیشتر از آنکه کشور باشد، منطقه‌ای برای عبور و مرور سبایر کشورهاست و منابع آن هم در دست آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها قرار دارد و به نوعی تجزیه‌ای از شکل واقعی ایران شکل گرفته است و الماس ژئوپلیتیک جهان یعنی ایران در دست اسرائیلی‌هاست. برای ابر قدرت شدن، حمله جمعه صبح هم تقریباً با همین هدف شکل گرفته بود که با تضعیف نیروی نظامی و حتی زدن برخی از مقامات و ایضاً شبکه جاسوسی که در داخل است، ایران به سرعت تبدیل به لیبی خواهد شد اما آنچه اسرائیلی‌ها تصورش را

حماسه‌ای میان علّم و پرچم



از همان روزهای آغازین جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران، بسیاری از مردم به یک حقیقت مشترک اشاره می‌کردند. حال و هوای مردمی که کشورشان مورد هجوم قرار گرفته بود، به واسطه عید غدیر و ارادت بسه امیرالمؤمنین، خیلی خاص و متفاوت بود. آفتدار این حال و هوای عید غدیر پر رنگ شد، که کاظم بهمنی از این فضا سرود و محسن چاوشی با صدای خاص خودش آن را خواند. «صحبت نه از زیاد و کم است شمشیر خشم ما دو دم است یک ضربه نیست، مغنت است این تیغ، تیغ روز جزاست کعبه برای فهم شماسات سجده به ذوالفقار کنید»

از همان لحظه‌هایی که نیروهای مسلح کشور مان در پاسخ به این تجاوز، دست به اقداماتی زدند که در تاریخ کم‌نظیر است، بسیاری رجزخوانانه هشدار دادند: اگر این مقاومت به محرم برسد، دیگر نمی‌توان آن را با هیچ آتش‌پشی مهار کرد؛ چراکه شور عاشورایی ملت ایران، سرشار از غیرت، ایمان و مظلوم‌ستیزی است. حالا اگر چه این جنگ به ایستگاهی موقت به نام «آتش‌پس» رسیده، اما مگر می‌توان این ۱۲ روز خونین را نادیده گرفت؟ مگر می‌توان بیش از ۶۰۰ شهید از مردم این سرزمین را به سادگی از یاد برد؟ مگر ممکن است منبرها و مداحی‌های محرم امسال، بی‌ذکر این روزهای سرنوشت‌ساز سپری شوند؟ تاریخ، این

ایرانی و عربی دارد. کریمی همچنین چنان کنترلی بر اجرا و آواز خود دارد که می‌تواند حتی با یک زم‌زم ساده، مستمع را دچار غلیان عاطفی کند. اجراهای کریمی آن قدر درخشان است که نه تنها دیگر مداحان، بلکه همه خوانندگان معروف و بسیار معروف داخل و خارج که اجراهای زنده‌شان اغلب آبروبریزی است، باید از او اجرا و آواز یاد بگیرند. تسلط بر تکنیک در آثار محمود کریمی، با خلافت او ضربه می‌گیرد. کشف استادانه ملودی‌های برای خواندن اشعاری که هیچ‌وقت در قالب مداحی خوانده نشده‌اند، ترکیب اشعار کلاسیک فارسی و عربی، ایجاد امکان حیات دوباره برای مداحی سنتی در قالب‌های نو... از جمله خلافتانه‌ترین مواردی هستند که می‌توان در آثار کریمی به آن‌ها اشاره کرد. او از سنایی تا سیمین

بهبهانی اشعار مختلف را به کار می‌گیرد و گاه به سراغ اشعاری می‌رود که پیش از آن که توسط او اجرا شوند، خواندشان در قالب مداحی غیر ممکن به نظر می‌رسد. محمود کریمی به معنای واقعی کلمه آوانگار است. او حتی تجربه خواندن ملودیک نثر را دارد و این مسئله نشانگر میزان ولع او برای به کارگیری همه ظرفیت غنی متون ادبی در دستگاه امام حسین (ع) است. محمود کریمی علاوه بر همه این‌ها بسیار وقت‌شناس و به‌رز است. آخرین کار او که مورد توجه و استقبال عموم قرار گرفت، اجرایی اقتباسی از قطعه «ایران» استاد محمد نوری است. قطعه ماندگاری که در سال‌های جنگ تحمیلی هشت‌ساله منتشر شد و مضامین عمیق ملی دارد. کریمی در نوحه جدیدش پس از موج اول جنگ تحمیلی با رژیم‌شیطانی صهیونی، مضامین

شاید بتوان او را آقای خاص موسیقی ایران معرفی کرد اما همین فرد به یکباره با موسیقی‌ای که نمایانستادگی ملت در مقابل شر مطلق است؛ یعنی اسرائیلی‌ها، وارد عمل می‌شود. طبقه متوسط شهری که در ذهن اسرائیلی‌ها احتمالاً باید نماد عدم واکنش باشند، با موج موسیقی چاوشی همراه هستند و دفاع از وطن را یک مسأله مهم می‌دانند. همچنین مفاهیمی به باورهای دینی را هم در این اثر می‌توان دید. در این لحظه، همه طبقه متوسط شهری بلکه گوی چاوشی زبان میلیون‌ها انسان است، او نماینده دفاع از وطن است و وطن فقط به یک مسأله مهم بدل نمی‌شود، بلکه وطن می‌شود مسأله زندگی بخش وسیعی از زندگی طبقه متوسط شهری، دقیقاً نقطه مقابل تصور خام اسرائیلی‌ها. حتی هنگامی که خشونت اسرائیلی‌ها باعث می‌شود کودکان و زنان هم در این حادثه شهید شوند این اتفاق نه تنها باعث ترس نمی‌شود بلکه مفهوم دفاع از وطن تمام این ابعاد را در بر می‌گیرد.

لحظات را هرگز فراموش نخواهد کرد. در همین حال و هوای متفاوت این روزها، در نخستین شب از ماه محرم، محمود کریمی با مداحی‌ای متفاوت، روایتی تازه از سوگ و میهن‌دوستی را پیش روی مردم نشان داد. او با انتخاب قطعه ماندگار «ای ایران» صدای محمد نوری، مرز میان مداحی آیینی و سرود ملی را شکست و فضایی بی‌سابقه در هیئت پدید آورد. این مداحی نه تنها رنگ و بویی تازه به هیئت بخشید، بلکه واکنش‌های گسترده‌ای را در فضای رسانه‌ای و مجازی برانگیخت. در ادامه، نگاهی می‌اندازیم به بازتاب‌ها و واکنش‌هایی که از سوی چهره‌های فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای نسبت به این اجرای متفاوت منتشر شده است. سید محمود رضوی، کارگردان سینما، با نگاهی شخصی به تجربه جنگ اخیر و تقارن آن با محرم، در اینستاگرام خود نوشت: «برای ما که جنگ تحمیلی را آن‌طور که بزرگ‌تر های ما درک کرده‌اند، درک نکرده‌ایم، این جنگ ۱۲ روزه تجربه‌ای سخت و گرانبها بود. حالا بعد از آن ۱۲ روز رسیده‌ایم به محرم، همان محرمی که امام راحل فرمود اسلام را زنده نگاه می‌دارد. در شب اول محرم امسال، حالا #حاج_محمود_کریمی آمده تا اسلام و ایران را در هیئت زنده نگاه دارد. بشنویم و لذت ببریم.»

محمد قوچانی، روزنامه‌نگار و مدیر مسئول نشریات آگاهی نو، در استوری خود با نگاهی گفتمانی و فرهنگی چنین نوشت: «وقتی از «گفتمان ایران» می‌گوییم یعنی همین نوحه ششیمی به نغمه ملی بدل می‌شود. با نغمه ملی به نوحه مذهبی.» سید محمد بطحایی، وزیر سابق آموزش و پرورش، با تحسین هنر حسین لواسانی، دانشجوی علوم سیاسی، در تویییتی احساسی از تجربه متفاوت خود از این مداحی نوشت: «هیچ وقت فکر نمی‌کردم یه روز با «ای ایران» محمدنوری، با صدای محمود کریمی سینه‌به‌زنم. طیب‌الله.» مجتبی زارعی، نماینده تهران، در رستورزی‌اش این مداحی را بازتابی از بیانات رهبری و حاج قاسم سلیمانی دانست و نوشت: «اگر سه ویدئوی اخیر امام خانه‌ای در باره ایران به نوحه درمی‌آمد می‌شد این هنر معنوی_حماسی حاج محمود؛ نوحه میهن؛ خدایی حاج محمود کریمی را گوش کردم، اشکم درآمد.»

حاج محمود حرف امام خامنه‌ای و حاج قاسم را در باره ملیت ایرانی ماندگار کرد. دمت گرم حاج محمود! نمی‌دانم چرا برخی اهالی تفکر در تله نزاع وارداتی امت_ملت افتاده‌اند؟! ... در روح و جان من

ماه محرم امسال با نوحه‌های ملّی – دینی آغاز شد، مراسم محمود کریمی به عنوان نمونه‌ای از هم‌گرایی فرم و محتوای ملّی مورد توجه قرار گرفت

می‌زند. از طرفی کنشگران رسانه‌ای هم از متن جامعه دور نیستند و می‌توانند منطبق با نیاز روز دست به تولید اثر بزنند. بازه آتش پس زمان بسیار خوبی است برای مشخص کردن همین خط‌مشی‌ها و استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای. اینکه محمود کریمی به‌سرعت از اقدام محسن چاوشی تقدیر می‌کند و به‌سرعت دست به تولید اثر می‌زند، نشان از یو پایایی دارد که جامعه مذهبی در مواجهه با جنگ کسب کرده. انگار جامعه ایران به چنین تشنی نیاز داشت تا تمام ظرفیت‌هایش را بتواند در یک راستا به کار بیندازد. در اینکه جامعه مذهبی همیشه نسبت به ملیت در قیاس با باقی کنشگران سیاسی فعالانه‌تر عمل کرده که هیچ شکی نیست اما به ظهور رساندن این کنشگری مسئله متفاوتی است. اینکه جامعه مذهبی مدل کنشگری ملی خود را به ظهور برساند و در اتفاقات مختلف بتواند در متن کنش‌های سیاسی قرار بگیرد، مسئله اصلی اینجاست که حرکت‌های افرادی مثل چاوشی و محمود کریمی در واکنش به یک تولید رسانه‌ای غربی نیست و بر خلاف باقی سرودهایی که در چند سال اخیر منتشر می‌شد در تقابل با تولید رسانه‌ای دشمن شکل نگرفته بلکه خود حائز یک تفکر ساختارمند برای پیشبرد یک امر ملی –مذهبی است.

هم‌راستا شدن دو امر مدرن و کلاسیک مانند مداحی و موسیقی چه در تولید دو اثر متفاوت و چه در یک اثر معجزا (در روح و جان منِ کریمی) شکلی بدیع از استفاده از ابزار هنر مدرن برای پیشبرد یک هدف ملی – دینی است. پیش از این بوده که چه توسط حزب‌الله لبنان و چه در کشور ما پیوند میان این دو امر با یکدیگر شکل بگیرد اما واکنش‌ها در نسبت با آن‌ها بسیار محدودتر از اتفاقات اخیر بوده. آنجایی این پیوند اهمیت پیدا می‌کند که متوجه این باشیم، جامعه ایران در این چند سال اصلاً جامعه‌ای دور از تولیدات رسانه‌ای نبوده از طرفی سوه‌های نکر در بنبند آن به‌وجود آمده، حالا با وجود تمامی این تغییرات اجتماعی هنوز یک محتوای رسانه‌ای چند دقیقه‌ای می‌تواند موردپسند بخش مهمی از جامعه قرار بگیرد و عامل وحدت شود. زمان‌شناسی، توجه به مخاطب، دور نبودن از متن جامعه، در نظر گرفتن گروه‌های مختلف اجتماعی، کیفیت تولیدات رسانه‌ای و البته پوشش صحیح از سمت

ملی قطعه «ایران» را با مضامین شیعی تلفیق کرده و با اجرای فوق‌العاده‌اش –که البته می‌توانست بدون آن بیت‌باکس مرسوم مداحان امروزِ قطعه بهتری باشد– یک قطعه درخور فرهنگ ایرانی – اسلامی خلق کرده است. درباره محمود کریمی و ارزش‌های آثارش می‌توان صفحه‌ها نوشت. اما بهتر است کارشناسان موسیقی و آواز و ادبیات این کار را انجام بدهند. من به همین مقدار اکتفا می‌کنم. فقط در انتها لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که ندیدن وجوه هنری کارهای محمود کریمی بی‌انصافی است. سال‌هاست که جایزه سال هنر انقلاب اسلامی حق او است. امیدوارم جایزه‌ای که باید تا امروز چندین بار به محمود کریمی اعطا می‌شد، حداقل یک بار به او برسد.

در اثر دیگری که محمود کریمی در شش‌پ اول محرم می‌خواند، در حالی که محرم یک خستگاه طولانی دارد و احتمالاً باید در گفتمان خودش شکل بگیرد، مداحی درباره دفاع از وطن خوانده می‌شود و امر ملی و مذهبی نه در پیوند بلکه گوی یکی هستند؛ این لحظه هم از همان تصوراتی است که اسرائیلی‌ها فکر می‌نمی‌کردند که همان عنصری که می‌خواستند از طریق آن شکاف ایجاد کنند، خود عامل اصلی ترمیم بحران فعلی است. به نوعی شاید بهترین جمله همان بحث «ایران حرم است» باشد. حرم جایی است که میلیون‌ها انسان به آنجایی روند با سلاطین و افکار گوناگون اما برای حفظ حرم دیگر اختلاف وجود ندارد. وقتی حرم در خطر است همه یک‌فهم واقعی برای حفظ حرم دارند، چون می‌دانند حفظ حرم اولویت است و بعد در باره شیوه اداره آن یا حتی مدل‌های مختلف می‌شود بحث کرد. آنچه در اینجا اهمیت دارد، دفاع از حرر برای آینده همه ملت است. حرم باید ماند تا ملت در آن باشند و برایش تصمیم‌گیری کنند.

می‌مانی ای وطن تویی تویی تو هستی، حرم تویی، تو خانه من ای میهن خدایی! صحن امام رضایی ایران ذوالفقار و ایران عاشورایی...» بهزاد مهرکش، روزنامه‌نگار، در واکنشی کوتاه اما پر از هیجان نوشت: «محمود کریمی کلاً عادت دارد سورپرایز کند! عالی بود...» محمد اکبرزاده خبرنگار نیز در تحسینی صریح از درک هنری کریمی گفت: «در روح و جان من؛ می‌مانی ای وطن... هیئت یعنی همین فهم دقیق و درک درست؛ و این اجرای هنرمنانده. دم شما گرم حاج محمود آقای کریمی.» در پایان، یکی از کاربران فضای مجازی، در پستی اینستاگرامی، با شعری سرشار از امید، همدلی و آرزوی صلح، چنین نوشت: «خدا کند که چنین باد تا ای دل نسیم رحمت یزدان، مدام بر محمل صفای صحبت یاران چو بوی گل ماند مباد سردی ایام، جز نسیم از دل چنان بماند صفا و چنان دوام کند که هرکه دید، بگوید بهشت در منزل نه فتنه‌ای، نه فریبی، نه رنج دوران است همه جهان شده چون خلد، پاک و بی‌مشکل» این مجموعه از واکنش‌ها نشان می‌دهد که چگونه یک مداحی، فراتر از عزاداری، می‌تواند به زبان گویای مردم بدل شود؛ زبانی که در آن ایران، ایمان، آزادی و اشک، هم صدا می‌شوند.